

2024/08/27

بیژن شاهمرادی

شناخت استوره از نیازهای بنیادی شناخت فرهنگ است. زیرا در زبانشناسی، رفتارشناسی گروهی، شناخت منش فردی و چندین زمینه دیگر کاربردهای بی جانشین دارد. ازینرو بازیابی بخشهای گم شده یا بازسازی شکستگی استوره ها نیز کاری ست بسیار درخور. برخی راههای بازسازی بخشهای گم شده استوره ها را در اینجا یاد می کنیم:

۱\_ شناخت و پی جویی منطق هر استوره. به دیگر سخن بازدید این که آیا بخشهای سازنده هر استوره ای با یک دیگر همخوانی و هماهنگی دارد؟ آیا چیدمان یک استوره نشان از همساخت بودن آن دارد؟ بخشهای گوناگون یک استوره همدیگر را گواهی می کند؟ ازین راه همچنین می توان آمیختگی استوره ای با استوره های دیگر را هم یافته، شناسایی کرد.

در بخش دوم پهلوان / قهرمانان ————— زنان و آبها نمونه ای از یک استوره که بدین روش درستی آنچه را که یافته ایم آورده ایم.

۲\_ بسی حماسه ها برگرفته از استوره هاست. ازینرو گاهی می توان بخشهای گم شده استوره ای را در حماسه همانند آن بازیافت.

۳\_ خوابگزاریها (=کتابهای تعبیر خواب) یکی از بهترین گواهیها برای بازیافت بخشهای گم شده استوره هاست. خوابگزاری آیینی ایرانی (=تعبیر خواب سنتی) به خواب دیدن آنها را به زناشویی، شاهی، سروری، دارایی، افزونی (=برکت) و مانند آن گزارش می کند. چرا؟

یک استوره همه این پدیده ها را در خود دارد، استوره آبها، آبان یشت، استوره ایزد بانو "اناهیتا"، بانویی که خود هزار رود روان است.

گزاره (Thesis) این نگارنده بر پایه یافته کارل گوستاو یونگ / روانشناسی ژرفا ست، که منش ما آدمیان را تنها از راه بررسی خوابهایی که می بینیم می توان بُنیادی (=تحلیل) کرد، و این کار بر پایه شناسایی نمادهایی ست که در خوابها بر ما پدیدار می شود. اینک، باز بر پایه یافته یونگ، این نمادها باز تابی از استوره های کهن قومی ست که در ناخودآگاه گروهی (Collective subconscious) ما همچنان زنده و پویاست. آنچه که این نگارنده یافته، به گونه ای، برگشتن در راهی ست که یونگ یافته.

یاد آوری: در خوابگزاریها هر دو گونه آب، روان و آشکار، و ایستاده و پنهان خوب دانسته شده، هر چند این نگارنده دو ریشه استوره ای جدا برای آن می شناسد.

\*\*\*

پی نوشت:

پهلوان / قهرمانان ————— زنان و آبها

دوم: رستم

دومین نمونه برگزیده ازین گونه پهلوان / قهرمانان و استوره ها، نمونه رستم است. این نمونه را می توان روشنگرانه تر از دیگر نمونه ها شمرد، چنانکه خواهیم دید.

\_ نام او آب است، رثوته \_ اوس \_ تخمن (= "rautha us taxman" رودخانه به بیرون روان).

\_ نام مادر او روت آپک (rut apak) نیز در یکی از معنی های این نام، با آبها پیوند دارد.

\_ نام پدر مادر او، مهر آب، با آبها پیوسته است. چه یکی از معنی های این نام را بخش کننده آبها دانسته اند.

\_نام پسر رستم آب سرخ (=سهر اب) است.

\_ایزد گیاهی، سیاوش را برای پروریدن به رودابه و رستم می سپارند.

\_رستم درفش اژدها نشان خاندان مادری را به کار می برد.

\_رستم اژدها کش (=آزاد کننده آبها) ست.

\_زنانشویی او کوتاه، یک شبه، است. زنانشویی پایدار از ویژگیهای پدر تباری و مرد سالاری ست.

\_زن او را به شوهری بر می گزیند، نه او زن را به همسری.

در فرجام استوره، رستم نیز همچون فریدون و گرشاسپ، که او نیز اژدها کش است، بددین و بی خرد خوانده شده به سرزمینهای دور دست خاور فرستاده می شود.

---

رودابه از دو بخش: رود بهمعنای فرزند و آب بهمعنای تابش و روشنایی پدید آمده است و بهمعنی فرزند تابناک است.

بخش کننده آب؛ کسی که کارگزار پخش کردن آب میان کشتزارها و باغهاست. میرآب که در فرایندی واجی "ی" به "ه" دیگر گون شده است.

مهراب. جای بر دمیدن خورشید (مهر) ، جایی در خاور که خورشید از آنجا بر می آید.